



دانشگاه پیام نور
دانشکده علوم انسانی
گروه الهیات و معارف اسلامی

عنوان

فلسفه خلقت انسان و ویژگیهای کلامی او از نگاه علامه طباطبائی (ره)

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فلسفه و کلام اسلامی

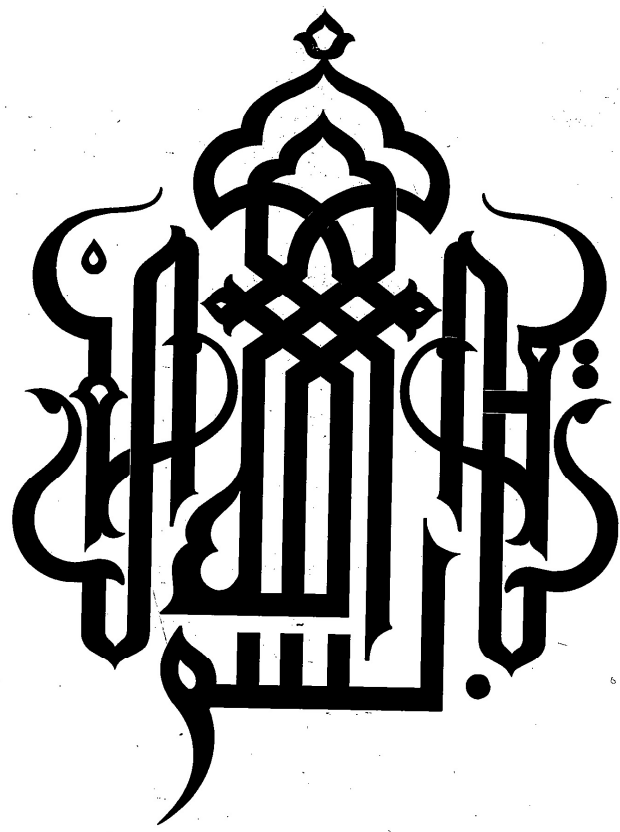
نام مولف

مآئده مقدسین

استاد راهنما

دکتر مهدی دهباشی

زمستان 1386



دانشگاه پیام نور
دانشکده علوم انسانی
گروه الهیات و معارف اسلامی

عنوان

فلسفه خلقت انسان و ویژگیهای کلامی او از نگاه علامه طباطبائی (ره)

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فلسفه و کلام اسلامی

نام مؤلف
مأئده مقدسین

استاد راهنما
دکتر مهدی دهباشی

زمستان 1386

با حمد و سپاس از الطاف بیکران خداوند متعال

با تشکر بی شائبه از استاد ارجمند و پدر معنویم جناب آقای دکتر مهدی دهباشی.

تقدیم به **دستان پر مهر پدرم**

آنکه نفس گرمش راه گشای زندگی ام شد

تقدیم به **نگاههای پر مهر مادرم**

آنکه صبوریش، گل امید را در من رویاند

تقدیم به **حامی زندگیم، مهربان همسرم**

آنکه پر پرواز در آسمان زندگیم شد.

و تقدیم به **خانواده مهربان و همه کسانی که دوستشان دارم.**

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف.....	چکیده
1.....	مقدمه
2.....	تعریف مسئله و اهمیت آن
2.....	سؤالات تحقیق
3.....	انگیزه و هدف ها
4.....	فصول پایان نامه
5.....	فصل اول: آشنایی با علامه طباطبائی (ره)
5.....	1-1- زندگی نامه و حیات علمی علامه (ره)
6.....	1-2-1- اساتید علمی و مشایخ عرفانی
7.....	1-3- شمول عنایت الهی
8.....	1-4- مقام عرفانی و جایگاه علمی
10.....	1-5- شیوه علمی و فلسفی علامه طباطبائی
11.....	1-6- شیوه تفسیری علامه (ره)
	فصل دوم: آشنایی با اهداف خلقت
13.....	1-2- تفکر در حیات و آفرینش
15.....	2-2- حیات پرتوی از لطف
16.....	2-3- هدفمند بودن خلقت عالم
20.....	2-4- ضرورت تمرکز بر هدف
20.....	2-5- لوازم اهداف خلقت
20.....	2-5-1- هدایت درونی و بیرونی
24.....	2-5-2- کمال، فطرت، عقل، امام
27.....	2-6- مرحله اول از اهداف خلقت
27.....	2-6-1- معرفت و شناخت آفریدگار
28.....	2-6-2- منظور از شناخت پروردگار چیست؟
28.....	2-6-3- راه تحصیل معرفت کلام است

صفحه

عنوان

- 29..... 2-6-4- شناخت نفس در رابطه آن با هدف
- 32..... 2-6-5- اسلام و دعوت به معرفت نفس (خودشناسی)
- 35..... 2-6-5-1- معرفت نفس از منظر علامه (ره)
- 36..... 2-6-5-2- چندین روایت در باب معرفت نفس
- 37..... 2-6-6- راه وصول به معرفت نفس
- 39..... 2-7-7- مرحله دوم از اهداف خلقت
- 39..... 2-7-1- عبودیت
- 41..... 2-7-2- عبادت حقیقی و حقیقت عبادت
- 43..... 2-8-8- مرحله سوم از اهداف خلقت
- 43..... 2-8-1- ایصال رحمت خاص خداوند به انسانها یا نفس مطمئنه
- 44..... 2-8-2- نفس مطمئنه (ظهور عبودیت تامه در انسان)
- 46..... 2-9-9- مرحله چهارم از اهداف خلقت
- 46..... 2-9-1- دخول در بهشت
- 48..... 2-10-10- هدف نهائی از خلقت انسان
- 49..... 2-10-1- وحدت وجود (فناى فى الله)
- 51..... فصل سوم: هدف نهائی خلقت، انسان کامل**
- 51..... 3-1-1- معنای کمال چیست؟
- 51..... 3-1-1- مفهوم کمال
- 52..... 3-2- وقفه ناپذیری تکامل
- 55..... 3-3- شناخت نفس و رابطه آن با کمال
- 56..... 3-4- انسان کامل و خصوصیات او
- 58..... 3-5- وصف انسانهای کامل
- 59..... 3-6- عبودیت خصوصیت بارز انسانهای کامل
- 60..... 3-7- کمال حقیقی انسانی از منظر علامه
- 61..... 3-8- آیا وصول به کمال برای همگان امکان پذیر است؟
- 63..... 3-9- ضرورت شناخت انسان کامل

صفحه	عنوان
65	3-10- وسیله رسیدن به مقام انسان کامل
66	3-11- مصادیق واقعی و بارز انسان کامل
69	3-12- انسان کامل محل مشیه الهی است
69	3-13- انسان کامل مظهر تام اسماء الله
73	3-14- مبدأ و متنها و انسان کامل
74	3-15- ضرورت وجود انسان کامل در عالم
76	3-16- دیدگاه اهل معرفت در باب ضرورت وجود انسان کامل
78	3-2-1- جایگاه انسان در نظام آفرینش
80	3-2-2- انسان حقیقت جامع همه عوالم
83	3-2-3- در بیان حقیقت انسان
88	3-2-2-1- در کیفیت اتحاد روح و بدن
	فصل چهارم: ویژگی های کلامی انسان (قضا و قدر، بداء و جبر و اختیار)
91	4-1- معنای قضاء
91	4-1-1- قضاء الهی
92	4-2- مفهوم عرفی و عقلی قضا و قدر
92	4-3- اقسام قضاء
93	4-4- اقسام قضاء از دید علامه (ره)
95	4-5- معنای قدر
95	4-6- علم خداوند
97	4-7- قضا و قدر و علم خدا
99	4-8- رابطه بین قضا و قدر و بداء
99	4-9- بداء به چه معناست؟
100	4-10- بداء در اصطلاح علم کلامی
102	4-11- بداء در آیات قرآنی
104	4-12- آیات قرآنی و تأثیر عمل انسانها بر سرنوشت آنها

صفحه**عنوان**

- 106..... 13-4- اثبات اصل بداء
- 108..... 14-4- رفع توهم از مسئله محو و اثبات
- 109..... 15-4- فایده دو لوح محفوظ و محو و اثبات چیست؟
- 110..... 1-15-4- قضای تکوینی حتمی
- 110..... 2-15-4- قضای تکوینی غیر حتمی
- 111..... 16-4- فلسفه وجود بداء
- 112..... 17-4- آیا بداء با قدرت الهی سازگار است؟
- 113..... 18-4- آیا بداء با علم خداوند سازگار است؟
- 114..... 19-4- بداء در چه اموری راه دارد؟
- 115..... 20-4- دعاء بداء
- 117..... 21-4- آثار و فوائد اعتقاد به بداء
- 119..... 22-4- جبر و اختیار
- 119..... 1-22-4- مفهوم اختیار
- 121..... 23-4- دلایل قرآنی بر مختار بودن انسان
- 122..... 24-4- مفهوم جبر
- 122..... 25-4- دلایل قرآنی بر جبر
- 124..... 26-4- چگونگی پیدایش دو مکتب
- 126..... 27-4- نظر علامه (ره) در خصوص دو مکتب
- 127..... 28-4- عقیده شیعه
- 129..... 29-4- مثالی پیرامون جبر و اختیار از علامه
- 130..... 30-4- انسان فاعل مختار است تکویناً و تشریحاً
- 131..... 31-4- مضمون اخبار طینت و عدم تضاد اخبار طینت و اخبار سعادت و شقاوت با اختیار
- 132..... 32-4- آیا مشیت خداوند مستلزم جبر در عمل بنده است
- 133..... 33-4- رابطه اراده و اختیار
- 134..... 34-4- چندین سوال در باب جبر و اختیار
- 135..... 1-34-4- سؤال اول

صفحه	عنوان
135	4-34-2- سؤال دوم
135	4-34-3- سؤال سوم
136	4-34-4- سؤال چهارم
136	4-34-5- سؤال پنجم
137	4-34-6- سؤال ششم
138	فصل پنجم: نتیجه گیری و سخن پایانی
141	منابع

چکیده

یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین سوالاتی که ممکن است برای هر فردی در حیاتش مطرح شود و ریشه اعتقادات او قرار گیرد سوال از هدف خلقت است، هدفی که اگر برای شخص، واضح و مبرهن و با دلیل عنوان شود در حکم قطب‌نمایی عمل می‌کند که تا انتهای مسیر را همچون چراغی پرفروغ به نور خود روشن می‌کند و اعتقادات و اعمال و افکار و در یک نگاه ایدئولوژی و جهان‌بینی شخص را، شفاف‌سازی می‌نماید.

بحث از جایگاه ویژه انسان در نظام خلقت و اهدافی که مترتب بر خلقت انسان در قرآن کریم ذکر شده و موشکافی این موارد همراه با اعتقادات کلامی بسیار مهمی که گره‌ای ناگسستنی با اهداف خلقت خورده‌اند - اعم از بحث قضا و قدر، جبر و اختیار و بداء - ما را بر آن داشت که این مسائل مهم را از نگاه علامه بزرگوار نابغه قرن، علامه طباطبائی (ره) مورد مذاقه قرار دهیم و به این نکات برسیم که انسان و در پی آن انسان کامل هدف نهایی خلقت است.

البته اهدافی دیگر نیز وجود دارد که همه آنها اهداف نهایی نیست بلکه اهداف فرعی است که سالک طریق آنها را به عنوان منزلگاههایی یکی پس از دیگری طی می‌کند تا به آن هدف نهایی که همان مقام لقاء الله و فناء فی الله است نائل گردد و به مقامات وقفه‌ناپذیر و صعودی کمال و مدارج رفیع انسان کامل دست یابد. در این پایان‌نامه، سعی بر آن شده است که خوانند به این نظر برسد که این مدارج رفیع

انسانیت که همان هدف از خلقت انسان است طبق نظر علامه، قابل وصول برای همگان است و محدود به
عده خاصی از اولیاء و انبیاء نیست بلکه هر شخصی که اراده کند و بخواهد و از خداوند نیز استمداد کند
می تواند به این درجات برسد. هیچ کس محکوم یقینی و قطعی به حکمی از احکام سعادت و شقاوت نیست،
حتی اگر انسان گناهان بزرگی را مرتکب شده باشد می تواند با تغییر موضع خوددوروی آوردن به نیکی‌ها
سرنوشت خویش را تغییر دهد و این همان مطالبی است که در فصل آخر، فصل چهارم، در باب، قضا و قدر،
جبر و اختیار و بداء آورده شده است و با مطالعه این فصل نیز می توان به رابطه این چند فصل، و نتیجه گیری
شایسته و درخور نائل گشت ان شاء الله.....

مقدمه

از آنجائیکه منابع مورد بررسی از علامه طباطبائی (ره)، اغلب به صورت پراکنده در تفاسیر ایشان و تعداد معدودی از کتب ایشان یافت می شود و کمتر کتاب یا رساله ای یافت می شد که در آن به صورت متمرکز روی این مسأله از دیدگاه علامه و تحقیقی کار علمی صورت گرفته باشد لذا این پایان نامه می تواند منبعی جهت استفاده دانش پژوهان علوم دینی باشد و زمینه ای برای تحقیقات بعدی قرار گیرد.

در این پایان نامه به بررسی هدف خلقت انسان از نگاه علامه طباطبائی (ره) و ویژگی های کلامی انسان پرداخته شده است و سعی شده است این سوال بصورت عقلی و نقلی، مورد مذاقه بیشتر و بررسی دقیقتر قرار گیرد. در فصل اول، شمه ای از زندگی و حیات علمی علامه محمد حسین طباطبائی (ره) بیان می شود.

در فصل دوم به بررسی اهداف خلقت و لوازم خلقت پرداخته شده است و در فصل سوم که رابطه ای ناگسستنی با فصل دوم دارد به بحث در مورد انسان کامل که از مهمترین اهداف خلقت است و به ویژگیهای آن پرداخته شده است.

و در فصل چهارم نیز به مباحث کلامی ارزشمند، که ارتباطی ویژه با مسائل مطروحه دارد یعنی موضوع بحث برانگیز قضا و قدر و جبر و اختیار و بداء از نگاه علامه طباطبائی (ره)، مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف مساله و اهمیت آن

علم راجع به هدف خلقت، از مسائل اصلی تفکر و حیات معنوی ماست و در حکم قطب نمایی است که جهت حرکت را به ما نشان می دهد. علم راجع به این موضوع، زیربنای جهان اندیشه ماست و انسجام در فکر و عمل را برای ما به ارمغان می آورد و چه بهتر که این علم از دیدگاه علامه مورد مذاقه قرار گیرد که خود سالیان دراز، سفر کرده این راه بوده و خود پیر راه است. اهمیت این مسئله زمانی آشکارتر می شود که بدانیم در هدف نهایی خلقت، لذتی نهفته است که به بیان علامه (ره) لایوصف و لایدرک است و انسان، این اشراف مخلوقات به این خاطر خلق شده که در طول حیات خویش، به این جهان بینی دست یابد که چه قدر و منزلتی دارد و چگونه زیبا می تواند به این لذات واقعی برسد ولی چه اندوهناک است که آن را از دست می دهد!

از طرفی مسائلی که همیشه مورد بحث و فحص بوده از جمله، شبهات کلامی در باب قضا و قدر و جبر و اختیار و بداء که پیوند عمیقی با افکار و عملکرد انسانها در باب اهداف خلقت دارد ما را بر آن داشت که با تلفیقی از این دو مبحث به تبیین این مسئله عمیق اسلامی دست یابیم.

سوالات تحقیق

با مطالعه این پایان نامه می توان به جواب سوالهای زیر رسید:

- 1- لوازم خلقت چیست؟
- 2- اهداف فرعی و واسطه ای کدامند؟
- 3- اهداف اصلی خلقت کدام است؟
- 4- انسان کامل از نگاه علامه (ره) کیست؟
- 5- آیا مقام انسان کامل مخصوص به عده ای خاص از اولیاء است؟
- 6- جبر و اختیار چیست؟ و چگونه قابل حل است؟
- 7- قضا و قدر از نگاه علامه چگونه قابل حل است؟
- 8- جایگاه بداء در کتاب و سنت چگونه است؟
- 9- آیا می توان به شبهات و اشکالات وارد شده به بداء جواب قانع کننده ای داد؟

انگیزه و هدف ها

انگیزه من به عنوان یک دانشجوی فلسفه و کلام از انتخاب این موضوع، این بود که: اولاً سوال از علت آمدن به این دنیا و زندگی زود گذر انسان در این دنیا در خود من همیشه امری مبهم و سوال برانگیز بود. همان شعر معروف به این مضمون: زکجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود به کجا می روم آخر نمایی وطنم... از طرفی شخصیت و منزلت علمی علامه و نظرات ایشان، مورد علاقه شدید شخص من قرار داشته است. بهمین خاطر در زمان انتخاب موضوع پایان نامه، سعی بر این کردم که این موضوع را با نظرات علامه (ره) پیوند بزنم و نظرات این شخصیت علمی را پیرامون این موضوع اصلی و اساسی جويا شوم.

ثانیاً علاقه داشتم وقت و هزینه زیادی که صرف نوشتن یک پایان نامه می شود جهت موضوعی بکار رود که برای همه قابل استفاده باشد و سؤالات اعتقادی و مذهبی سایرین بخصوص جوانان را نیز پاسخ دهد و به یاری خداوند متعال پایان نامه ای نگارش شود که مورد استفاده دانشجویان و دانش پژوهان قرار گیرد و فقط اشغال کننده قفسه های کتابخانه ها نباشد.

انگیزه ها و هدفها

هدفهایی که می توان برای این پایان نامه فهرت کرد از این قرار است:

- 1- آشنایی با اهداف خلقت (اهداف میان راهی و هدف نهایی)
- 2- آشنایی با انسان کامل (که همان غایت نهایی از خلقت است)
- 3- آشنایی با جایگاه رفیع انسان در نظام آفرینش.
- 4- آشنایی با مباحث کلامی و عمیق قضا و قدر، جبر و اختیار و بداء از دید علامه
- 5- آشنایی با سوالها و جوابهای کلامی در این باب که از علامه (ره) پرسیده شده است.

فصول پایان نامه

این پایان نامه متشکل از یک فصل مقدمه - چهار فصل اصلی و یک فصل نتیجه گیری است که فصول

اصلی آن عبارتند از:

- 1) در فصل اول، شمه ای از زندگی و حیات علمی علامه طباطبائی و آثار ایشان بیان شده است.

2) در فصل دوم لزوم تبیین اهداف برای خلقت و لوازم خلقت، اعم از هدایت و تفکر و بیان اهداف خلقت که بصورت جداگانه و مفصل ذکر گردیده است.

3) در فصل سوم نیز سیمای انسان کامل از نگاه علامه طباطبائی (ره) بصورت مبسوط شرح داده می شود. با مطالعه این فصل می توان به رابطه عمیق و گسترده ای که میان این فصل و فصل دوم اهداف خلقت وجود دارد، پی بُرد، چرا که این فصل توضیح مبسوط هدف آخر از اهداف خلقت می باشد.

4) در فصل آخر نیز نکات جالب، عمیق و خواندنی درباره مسائل کلامی قضا و قدر و جبر و اختیار و بداء و سوالات متعددی که درباره این مسائل از علامه طباطبائی پرسیده شده است، در اختیار خوانندگان این مباحث قرار گرفته است. که امیدوارم مورد استفاده تمام علاقه مندان به این مباحث قرار گیرد ان شاء الله ...

نحوه آدرسی دهی در ایران پایان نامه به دو صورت است که در حالت اول فقط نام مرجع و شماره صفحه آن بصورت پاورقی ذکر شده است و در حالت دوم تمام خصوصیات کتاب از جمله نام کتاب - نام نویسنده ناشر و تاریخ انتشار به ترتیب استفاده از منبع در انتهای پایان نامه ثبت گردیده است.

فصل اول

آشنایی با علامه طباطبائی (ره)

1-1- زندگی نامه و حیات علمی علامه (ره)

علامه سید محمدحسین طباطبائی تبریزی در روز بیست و نهم ذی القعدة به سال 1321 هـ. ق (1281 هـ. ش) در شادآباد از توابع شهرستان تبریز از خانواده سادات طباطبائی دیده به جهان گشود. در سن پنج سالگی مادر عزیز و در سن نه سالگی پدر بزرگوارش را از دست داد. با از دست دادن پدر و مادر در زمان کودکی، تقریباً این خانواده از حیث ظاهری وضع نابسامانی پیدا کرد. خانواده ای که فقط دو پسر به نام سید محمدحسن و سیدمحمدحسین از آن به ثمر نشست. اما بنابه وصیت پدر، این دو فرزند تحت مراقبت خادم و خادمه ای قرار گرفته و صورت ظاهری کانون خانواده بدون عواطف و محبت های والدین حفظ گردید. علامه و برادر کوچکترشان که پنج سال با ایشان تفاوت سنی داشتند به خاطر مشکلات تا نه سالگی موفق به تحصیل دوران ابتدائی و رفتن به مکتب نشدند. ولی از سن نه سالگی یعنی سال 1290 هـ. ش شروع به تحصیل نمود و به مدت شش سال یعنی تا سال 1296 هـ. ش آموزش قرآن، گلستان و بوستان سعدی نصاب الصبیان، تاریخ عجم، اخلاق مصور، ارشاد الحساب، انوارسهیلی و منشآت امیر نظام را به همراه برادرش فرا گرفت و فن خوشنویسی را زیر نظر استاد میرزا علی نقی خطاط آموخت. بعد از آن وارد مدرسه طالبیه تبریز شد و به فراگیری ادبیات عرب و علوم عقلی و نقلی و فقه و اصول پرداخت. از سال 1304-1297 هوش مشغول فراگیری علوم اسلامی شد و به مدت هشت سال ادبیات عرب، معانی، بیان، اصول و فقه، منطق و فلسفه و کلام را خواند.^[1]

¹ . جرعه های جان بخش، ص ۵۳.

1-2- اساتید علمی و مشایخ عرفانی

«علامه بعد از تحصیل مقدماتی همراه با برادر کوچکتر از خود به نام محمدحسن وارد نجف شد و به مدت ده سال در آن دیار مقدس ادامه تحصیل داد، اساتید او در نجف متعدد بودند، استادان او در اصول فقه آیه الله نائینی، سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین اصفهانی، در کلیات علم رجال، آیه ا... حجت کوه کمره ای و در فلسفه سیدابوالقاسم خوانساری و سیدحسین بادکوبه ای بوده اند. او اخلاق و عرفان را نزد عارف نامدار حاج میرزا علی آقاقاضی طباطبائی که از بستگان بود فراگرفت. علامه به شدت تحت تأثیر او بوده و هر دو دارای حیات مادی یکسانی شدند که هشتاد و یک سال در این عرصه خاکی چون نوری درخشیدند و نفوس را تربیت نموده اند.»^[2]

از میان سلسله استادان و مشایخ علامه در اخلاق و عرفان تا پنج دوره شناخته شده و از آن به بعد مجهولند.

علامه حسن زاده آملی از برادر علامه سلسله مشایخ را به ترتیب چنین آورده است: سیدعلی آقا قاضی طباطبائی - سید احمد کربلائی - آخوند ملاحسینقلی همدانی - سید علی شوشتری - ملاقلی جولانی.^[3]

شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «طبقات اعلام الشیعه» در شرح حال مرحوم قاضی می گوید:

«او از اعجوبه های روزگار بود و در تقوا و ورع بین من و ایشان گفت و گوهایی انجام گرفته که در سیرتش، انسانی کریم یافتم او و پدرش هر کدام صاحب تفسیر قرآن بوده اند.»^[3]

علامه درباره مرحوم قاضی می گوید او سخنان دلنشین و گرانبهائی داشت. «یکی از کلمات گوهر بارش این بود که اگر انسان نیمی از عمر خود را در یافتن فرد با کمالی صرف کند که دست او را گرفته و بالا ببرد ارزش دارد». روزی دست بر شانه ام گذاشت و فرمود: ای فرزندم، دنیا می خواهی نماز شب بخوان، آخرت می خواهی نماز شب بخوان، این سخن آنقدر در من اثر کرد که تا آخر لحظات عمر شریفش رابطه ام با او برقرار بود و وقتی به ایران آمدم ارتباط مکاتبه ای با او داشتم و ما هر چه داریم از او داریم.^[4]

۱ . مهتابان، صص ۲۳-۲۱.

۲ . هزار و یک نکته، ج ۲، ص ۵۹۱.

۳ . همان، ص ۵۹۱.

۴ . مهتابان، ص ۲۶.

1-3- شمول عنایت الهی

برای هر طالب علمی باید مسلم باشد که تحصیل و فراگیری علم و عالم شدن، همه اش به همت ظاهری نیست، بلکه عمده اش به عنایت الهی است.

علامه می فرماید: «در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این جهت هر چه می خواندم برای من قابل فهم نبود. چهارسال به همین صورت گذشت پس از آن یک باره عنایت الهی دامنگیرم شد، عوضم کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بی تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم به طوری که از همان روز تا پایان تحصیل تقریباً هجده سال طول کشید هرگز نسبت به تعلیم و تفکر احساس خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش کردم، بساط معاشرت با غیر اهل علم را به کلی برچیدم، و در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده باقی را به مطالعه می پرداختم. بسیار می شد (به ویژه در بهار و تابستان) شب را تا طلوع آفتاب به مطالعه می پرداختم.»^[1]

در همین رابطه نکته دیگری را یکی از دوستان علامه نقل می کند که قابل توجه است. استاد حاج شیخ صدرالدین حائری شیرازی نقل می کند که:

«من شنیده بودم علامه کاری کرد که مورد لطف و عنایت حق قرار گرفته تا این که در تحصیل مشکلی نداشته باشد، مترصد بودم تا این مسئله را از خود علامه بپرسم. روزی آن بزرگواری با دامادشان شهید قدوسی به شیراز، خانه ما آمدند بعد از نماز مغرب و عشا به حضورشان عرض کردم سئوالی دارم نمی دانم پاسخ می دهید یا نه؟ فرمود اگر جوابش را بدانم خواهم گفت. عرض کردم از افواه شنیدم که شما رفتاری داشتید که آن رفتار شما موجب عنایت حق تعالی به شما شد. پس از سؤال چهره اش برافروخته شد و فرمود چون قول دادم می گویم. فرمود: در ابتدای تحصیل در تبریز به خواندن سیوطی (علم نحو) مشغول بودم روزی استاد امتحانی از من به عمل آورد که از عهده اش بر نیامدم و رفوزه شدم. استاد به من گفت وقت خود و مواضع کردی. این تعبیر بر من گران آمد. پس از آن دیگر قادر نبودم در تبریز بمانم از شهر خارج شده به کناری رفتم جایی که از اغیار خبری نباشد و به عملی مشغول شدم (نفرمود چه عملی) پس از آن خداوند لطف خویش را شامل حالم کرد.»^[2]

پیوسته در زندگی ام حس می کردم که دست ناپیدایی مرا از هر پرتگاه خطرناک نجات می دهد، و به سوی مقصد هدایت می کند.^[3]

۱ . جرعه های جان بخش ص ۵۵-۵۴ .
۲ . جرعه های جان بخش، صص ۵۵-۵۳ .
۳ . جرعه های جان بخش، صص ۵۵-۵۳ .

1-4- مقام عرفانی و جایگاه علمی

مشی او در عرفان بی نظیر بوده و بر مسلک استاد خویش میرزاعلی آقا قاضی منسلک بود. او به دو عالم بزرگوار، منزلت عظیم و جایگاه رفیع قائل بود و با عظمت از آنان یاد می کرد یکی سیدبن طاووس بود که کتاب اقبال او را از کتب ارزشمند دانسته و او را سید و آقای اهل مراقبه می خواند و دیگری سید مهدی بحرالعلوم بود که کتاب سیروسلوک منسوب به ایشان را بسیار تاکید داشت. تشریف این دو بزرگوار را به خدمت امام عصر (عج) کراراً نقل می کرد. مهمترین آثار اخلاقی نزد ایشان «طهاره اخلاق» ابن مسکویه، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی و «محجه البیضاء» فیض کاشانی بود.^[1] [2]

علامه مشی عرفانی را در معقولات و کتب فلسفی هم حفظ می کرد و معتقد بود که فلسفه اسلامی خالی از معنویت نیست، خواندن و مطالعه آثار فلاسفه اسلامی برای انسان حالت معنویت می آورد و تقوا را تأیید می کند، توفیق می دهد، هدایت می نماید و شهید مطهری مردی با تقوا بود، تقوایی که از فلسفه بدست آورده است.^[2] [1]

او نه تنها بینش عرفانی را در مطالعه علوم معقول حفظ کرده بود بلکه در صیانت و حفظ عرفان عملی اهتمام تام داشت؛ یعنی عرفان نظری را با عملی توأمان دارا بودند و آنان که به هر نوعی تلاش داشته که عرفان اسلامی را خلاف قرآن و سنت جلوه دهند و برخی که عرفان اسلامی را مأخوذ از عرفان هندی می دانستند می فرمودند که:

«سخن شناس نه ای دلبراً خطا اینجاست.»^[3] [1]

در یک جمله تمام عرفان او در عشق به اهل بیت (علیهم السلام) خلاصه می شد چنانچه از شهید مطهری سؤال شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه چیست؟ او در جواب گفت: من حکیم و عارف بسیار دیده ام احترام من به ایشان به خاطر علمش نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت (علیهم السلام) است.^[4] [4]

در زمان معاصر علامه به عنوان تنها فیلسوف شرق و مسلمان شناخته شده است این نه تنها اذعان فلاسفه شرقی مسلمان است بلکه فلاسفه غرب در اروپا به این نکته اعتراف دارند. آمریکا قبل از سی سال ایشان را بهتر از آنچه

^۱ . مهردادبان، ص ۸۶ .

^۲ . جرعه های جان بخش، ص ۱۳۲ .

^۳ . همان، ص ۲۱۰ .

^۴ . ماهنامه بصائر، ویژه نامه علامه، ص ۵۷ .